مشروح مذاکرات شورای فقهی

بانک مرکزی

یکصد و سی و دومین جلسه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۲

اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی

پاییز ۱۴۰۴

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران، بلوار میرداماد، شماره ۱۹۸

تلفن: ۲۹۹۵۱ (۹۸۲۱+)


بسم الله الرحمن الرحيم

شناسه گزارش: ۱۴۰۴۰۸/۹۶/۱۳۲/۱

عنوان گزارش: مشروح مذاکرات شورای فقهی بانک مرکزی*

یکصد و سی و دومین جلسه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۲

واژگان کلیدی: شورای فقهی، بانکداری اسلامی، مشروح مذاکرات، هیات خدمات مالی اسلامی (IFSB)، کارگروه اهل سنت، بازار بین بانکی.

تاریخ انتشار گزارش: پاییز ۱۴۰۴

*** بر اساس بند «ر» ماده (۱۸) قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی موظف است مشروح مذاکرات و مصوبات شورای فقهی را بر پایگاه اطلاع‌رسانی خود قرار دهد و برای عموم منتشر نماید. بر این اساس، اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی اقدام به تهیه و تدوین این گزارش نموده است. لازم به ذکر است مصوبات شورای فقهی پس از ابلاغ توسط بانک مرکزی اجرایی می‌گردد.**

استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست مطالب

اسامی حاضرین جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط) ۲

مشروح مذاکرات مرتبط با دستور اول: «ارتباط با هیات خدمات مالی اسلامی (IFSB) » ۳

مشروح مذاکرات مرتبط با دستور دوم: ارائه گزارش «کارگروه اهل سنت شورای فقهی بانک مرکزی» ۵

مشروح مذاکرات مرتبط با دستور سوم: ارائه گزارش «کارگروه قرض الحسنه شورای فقهی بانک مرکزی» ۶

مشروح مذاکرات مرتبط با دستور چهارم: بررسی «دستورالعمل اجرایی معاملات در بازار بین بانکی ریالی» ۱۱

اسامی حاضرین جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط) [۱]

۱. آیت الله غلامرضا مصباحی‌مقدم (ریاست شورای فقهی)

۲. آیت الله محمدسعید واعظی (عضو شورای فقهی)

۳. آیت الله علیرضا اسلامیان (عضو شورای فقهی)

۴. آیت الله حسینعلی سعدی (عضو شورای فقهی)

۵. حجت‌الاسلام‌والمسلمین مجید رضایی دوانی (نایب رئیس شورای فقهی)

۶. آقای دکتر محمدرضا فرزین (رئیس کل بانک مرکزی و عضو شورای فقهی)

۷. آقای دکتر اصغر ابوالحسنی (قائم مقام بانک مرکزی و عضو شورای فقهی)

۸. آقای دکتر محمود ابراهیمی (عضو شورای فقهی)

۹. آقای دکتر علی خورسندیان (عضو شورای فقهی)

۱۰. آقای دکتر عباس عرب‌مازار (عضو شورای فقهی)

۱۱. آقای مهدی صحابی لطف (مدیرکل عملیات پولی و اعتباری بانک مرکزی)

۱۲. آقای دکتر سید علی اکبر میرعمادی (مدیرکل امور دادستانی و صیانت از مشتریان بانک مرکزی)

۱۳. آقای دکتر حسین صدقی (مدیرکل تنظیم مقررات بانک مرکزی)

۱۴. آقای دکتر حسین میثمی (مدیر اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیر شورای فقهی بانک مرکزی)

۱۵. خانم معصومه رسولی (مدیر اداره عملیات بازار باز بانک مرکزی)

۱۶. آقای حسن آذرمهر (رئیس گروه اداره مطالعات و مقررات بانک مرکزی)

۱۷. خانم سیده سبا سلیانی (معاون اداره عملیات بازار باز بانک مرکزی)

۱۸. آقای مهدی کاظمیان (معاون اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)

۱۹. آقای علی نظری (رئیس گروه اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)

۲۰. آقای محمدحسین شمشیری (رئیس دایره اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)

۲۱. خانم نیره سادات قریشی (کارشناس ارشد اداره سیاست های پولی بانک مرکزی)

۲۲. خانم مریم بیدخوری (کارشناس اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)

۲۳. خانم اعظم حسینخانی (کارشناس اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)

۲۴. آقای مهرداد رمضانی (رئیس دایره اداره عملیات بازار باز بانک مرکزی)

---

[۱] از اعضای محترم شورای فقهی بانک مرکزی آقایان حجت‌الاسلام‌والمسلمین باقری بنابی، دکتر محمدپور و دکتر افشار در این جلسه حضور نداشتند.

مشروح مذاکرات مرتبط با دستور اول: «ارتباط با هیات خدمات مالی اسلامی (IFSB) »

تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید

میثمی: نخستین موضوع، مربوط به ارتباط بانک مرکزی با هیات خدمات مالی اسلامی (IFSB) است. همان‌طور که مستحضرید، جمهوری اسلامی ایران از اعضای مؤسس این سازمان بوده و در سال‌های آغازین فعالیت آن، هیئت ایرانی همواره حضوری مؤثر و فعال در نشست‌ها و تصمیم‌گیری‌های IFSB داشته است. با این حال، در سال‌های اخیر، این حضور به تدریج کمرنگ شده و نقش ایران در ساختار و فعالیت‌های سازمان مذکور کاهش یافته است. در این مدت، با راهنمایی جناب آقای دکتر ابوالحسنی، مکاتبات متعددی انجام شد و در برخی نشست‌های آنلاین IFSB نیز نمایندگان دبیرخانه شرکت کردند. اخیراً IFSB اعلام کرده است که با انتصاب دبیر کل جدید این سازمان، تمایل جدی برای احیای حضور و فعالیت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. همچنین رسماً به ما اطلاع داده‌اند که قصد دارند در نشست آینده سازمان (که در ماه‌های نخست سال میلادی آینده برگزار می‌شود) دعوت‌نامه رسمی برای ریاست محترم کل بانک مرکزی ارسال نمایند.

اکنون با فراهم شدن زمینه همکاری مجدد، فرصت مناسبی ایجاد شده است تا حضور فعال کشور در این نهاد مهم بین‌المللی احیا گردد. ضرورت دارد این مسئله با اولویت مورد توجه قرار گیرد، زیرا IFSB یکی از نهادهای اصلی تدوین استانداردهای بین‌المللی بانکداری اسلامی است و جمهوری اسلامی ایران که در زمره بنیان‌گذاران این جریان بوده، نباید نقش خود را در آن کمرنگ کند.

مصباحی‌مقدم: نتیجه این وضعیت آن است که گزارش‌ها و فعالیت‌های ایران به سازمان‌های بین‌المللی مرتبط ارسال نمی‌شود و در نتیجه، در گزارش‌های سالانه آنان نیز بازتاب نمی‌یابد. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران سهم بسزایی در تحقق و پیشبرد بانکداری اسلامی در سطح جهان داشته و شایسته است این جایگاه در مستندات و آمارهای بین‌المللی به درستی منعکس شود.

ابوالحسنی: از سال گذشته تلاش کردیم در کنار فعالیت‌های شورای فقهی، موضوع ارتباطات بین‌المللی را با جدیت بیشتری دنبال کنیم. بر این باوریم که جمهوری اسلامی ایران باید بتواند خود را در سطح جهانی معرفی کند و از تجربیات و دستاوردهای سایر کشورها در حوزه بانکداری و مالی اسلامی نیز بهره‌مند شود. بر همین اساس، تعامل با نهادهای بین‌المللی

همچون سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI) و هیات خدمات مالی اسلامی (IFSB) مورد توجه ویژه قرار گرفته است.

بسیاری از جلسات این نهادها به صورت آنلاین برگزار می‌شود، اما ممکن است نشست‌های حضوری سالانه نیز داشته باشند که حضور فعال ایران در آنها ضروری است. در این زمینه مقرر شد دبیرخانه پیگیری‌های لازم را انجام دهد و ما نیز در این مسیر همراه هستیم.

مشروح مذاکرات مرتبط با دستور دوم: ارائه گزارش «کارگروه اهل سنت شورای فقهی بانک مرکزی»

میثمی: موضوع دوم مربوط به کارگروه اهل سنت است که حدود دو سال پیش با تصویب شورای فقهی تشکیل شد. در این مدت، جلسات متعددی با حضور نماینده شورای فقهی (حجت‌الاسلام‌والمسلمین رضایی) و علمای اهل سنت در استان‌های مختلف از جمله کرمانشاه، کردستان، خراسان، گلستان، آذربایجان غربی و جنوب کشور برگزار شد. در مجموع، با بررسی‌های انجام شده و گفت‌وگوهای کارشناسی، هفت مورد از اشکالات فقهی اهل سنت در استفاده از خدمات بانکداری بدون ربا شناسایی شد که بر سر آنها تفاهم حاصل گردید. برنامه نهایی کارگروه، برگزاری نشست مشترک با علمای برجسته و مفتیان ارشد استان سیستان و بلوچستان است که ان‌شاءالله در ماه آینده در تهران برگزار خواهد شد. از دیدگاه دبیرخانه، با برگزاری این نشست، مرحله کارشناسی کارگروه به پایان می‌رسد.

رضایی: پیشنهاد دارم با توجه به جمع‌آوری این دیدگاه‌ها و انجام اصلاحات مورد نیاز، نسخه جدیدی از قراردادهای بانکی تدوین و تلاش شود تا با انعکاس تغییرات مطروحه، جذابیت و کارآمدی تسهیلات بانکی برای عموم مردم به ویژه جامعه اهل سنت، افزایش یابد.

سعدی: فعالیت‌های انجام شده در این زمینه نیازمند یک پیوست رسانه‌ای قوی و برنامه‌ریزی شده است.

مصباحی‌مقدم: در صورتجلسه درج شود که نکته مورد نظر آقای دکتر سعدی درباره ضرورت تدوین پیوست رسانه‌ای و بررسی موارد مرتبط با کارگروه اهل سنت، پیگیری و اقدامات لازم در این خصوص انجام شود.

مشروح مذاکرات مرتبط با دستور سوم: ارائه گزارش «کارگروه قرض الحسنه شورای فقهی بانک مرکزی»

میثمی: موضوع بعدی مربوط به کارگروه قرض‌الحسنه است که با دستور آقای دکتر ابوالحسنی ذیل شورای فقهی به فعالیت مشغول است. در حال حاضر، محور قرض‌الحسنه از سطح تأمین مالی خرد فراتر رفته و به صورت گسترده در شبکه بانکی توسعه یافته است. تنها دو بانک قرض‌الحسنه کشور در مجموع بیش از ۳۵ میلیون مشتری دارند. همچنین، طرح قرض‌الحسنه «مهربانی» بانک ملی، تاکنون بیش از ۲۴۰ هزار میلیارد تومان جذب مشتری داشته است.

در این رابطه، لازم به ذکر است ترویج قرض‌الحسنه علاه بر آثار فرهنگی . اجتماعی می‌تواند تاثیر مثبتی بر کنترل خلق پول درونی بانکیداشته باشد؛ چرا که در کسب و کار قرض‌الحسنه عنصر «سود بانکی» که یکی از عوامل اصلی خلق پول است، اساسا وجود ندارد.

ابوالحسنی: خدمت اعضای محترم شورای فقهی عرض می‌کنم که در هیئت عالی بانک مرکزی، دستورالعمل جامع مربوط به صندوق‌های قرض‌الحسنه شامل نحوه تأسیس، فعالیت، نظارت و سایر ضوابط مرتبط، اخیرا تدوین و ابلاغ شده است. در این دستورالعمل، مدل نظارت خاص بر این صندوق‌ها تعیین شده و سازمان‌های ذی‌ربط نیز در فرآیند تدوین آن دخیل بوده‌اند. این موضوع در جلسه قبلی هیئت عالی بررسی و به تصویب رسید. در واقع، نتایج حاصل از فعالیت کارگروه قرض‌الحسنه که از دو سال پیش آغاز شده بود، در این دستورالعمل منعکس شده است. در چارچوب قانون برنامه هفتم، مقرر شده بانک‌ها به فعالیت‌های تخصصی تقسیم شوند و یکی از این دسته‌ها، بانک‌های قرض‌الحسنه هستند. بنابراین، از منظر بانک مرکزی، بستر قانونی و حقوقی لازم برای توسعه شبکه قرض‌الحسنه، مطابق با الزامات برنامه هفتم توسعه، فراهم و ابلاغ شده است؛ اکنون اجرای عملیاتی این سیاست‌ها، در دستور کار قرار دارد.

نکته‌ای که لازم است به آن پرداخته شود، موضوع «سپرده امتیازی» است؛ هر چند شورای فقهی قبلا آن را تصویب کرده، ولی مسئله اصلی در تعهدی نهفته است که بانک‌ها عملاً می‌پذیرند. یعنی به صورت مکتوب در قرارداد تعهدی وجود ندارد، اما در عمل نوعی تعهد ضمنی یا قول ضمنی از سوی بانک به سپرده‌گذار ارائه می‌شود. به عبارت دیگر، فرد با نیت کسب امتیاز، سپرده‌گذاری می‌کند و بانک نیز عملاً وعده‌ای در این زمینه می‌دهد. این وضعیت به لحاظ فقهی و حقوقی باید مجدداً مرور شود، زیرا تعهد ضمنی مذکور ممکن است ماهیت قرض‌الحسنه را تحت‌تأثیر قرار دهد.

میثمی: جناب آقای دکتر، پس از تذکری که از طرف دبیرخانه داده شد، تعدادی از بانک‌ها اطلاع‌رسانی لازم را در سایت‌های خود انجام داده‌اند و تصریح کرده‌اند که بانک هیچ‌گونه تعهدی در قبال اعطای امتیاز یا اولویت به سپرده‌گذاران ندارد. همچنین، سه یا چهار بانک به صورت فعال این موضوع را از طریق پیامک به مشتریان خود ارسال کرده‌اند. البته هنوز عمده بانک‌ها اقدام مشابهی انجام نداده‌اند و پیامک اطلاع‌رسانی مربوط به عدم تعهد بانک را برای مشتریان ارسال نمی‌کنند. در حالی که از نظر دبیرخانه ارسال پیامک مذکور به مشتریان با هدف شرعی بودن ابزار الزامی است.

مصباحی‌مقدم: پیشنهاد می‌شود به ناظران بانکی ابلاغ گردد که کلیه بانک‌هایی که تسهیلات قرض‌الحسنه امتیازی ارائه می‌دهند، موظف‌اند به صورت صریح و شفاف اعلام نمایند که بانک نسبت به اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه هیچ‌گونه تعهدی ندارد؛ این اطلاع‌رسانی باید به گونه‌ای انجام شود که مشتریان خود را محق دریافت وام قرض‌الحسنه در نظر نگیرند.

سعدی: از منظر فقهی، بین داعی و شرط تمایز وجود دارد. چنانچه موضوع در حد داعی باقی بماند و به شرط تبدیل نشود، اشکال شرعی ندارد؛ اما در عمل ممکن است شرط ضمنی (مبنی علیه العقد) تشکیل شود که در این صورت موضوع از حالت داعی خارج می‌گردد. هنگامی که بخواهیم مسائل فقهی در رابطه با مکاسب مردم به درستی تبیین شود و حلیت معاملات آنان تأمین گردد، تشخیص فرق دقیق بین داعی و شرط اهمیت دارد. البته کسانی که شرط مبنی علیه العقد را مطرح می‌کنند، معتقدند صرف عدم درج شرط در متن قرارداد، مانع از تشکیل شرط ضمنی نمی‌شود.

ابوالحسنی: عملاً در پایان سال، زمانی که سپرده‌گذاران سه‌ماهه یا شش‌ماهه وجوه خود را مطالبه می‌کنند و بانک دچار کمبود نقدینگی می‌شود، از حساب خود نزد بانک مرکزی برداشت می‌کند. بنده اینجا صرفاً واقعیت عملی را عرض می‌کنم و بحث فقهی یا شرعی آن را مطرح نمی‌کنم. مشکل اصلی در این است که موضوع «سپرده امتیازی» که پیش‌تر توسط شورای فقهی تصویب شده، در عمل باعث ایجاد نوعی استناد بانکی شده است.

میثمی: مشکل اصلی در حال حاضر این است که بانک‌ها زیر بار ارسال پیامک اطلاع‌رسانی (در رابطه با نبود شرط) نمی‌روند. با وجود پیگیری‌ها و تأکیدهای مکرر، تنها سه بانک تا کنون اقدام به ارسال پیامک مبنی بر عدم تعهد بانک نسبت به اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه کرده‌اند و سایر بانک‌ها هنوز از انجام این کار خودداری می‌کنند.

ابوالحسنی: واقعیت این است که بانکی که پیامک اطلاع‌رسانی ارسال نمی‌کند، در رقابت بازار سپرده‌ها برنده می‌شود؛ زیرا مردم بیشتر به سمت آن می‌روند. طبیعی است وقتی بانکی صراحتاً اعلام می‌کند «من تعهدی در قبال اعطای تسهیلات ندارم» و حتی آن را مکتوب هم اعلام می‌نماید، بخشی از سپرده‌گذاران از سپرده‌گذاری در آن بانک صرف‌نظر می‌کنند.

اسلامیان: نکته مهم این است که مباحثی که در این شورا مطرح می‌شود باید به صورت دقیق پیگیری شود تا مشخص گردد آیا تصمیمات واقعاً در شبکه بانکی اجرا می‌شود یا صرفاً در سطح مصوبه باقی می‌ماند؟ متأسفانه در بسیاری از موارد، اقدامات اجرایی بعدی به نام شورای فقهی تمام می‌شود، در حالی که شورا صرفاً نظر فقهی ارائه کرده است. این روند نیازمند بازنگری است. همان‌طور که آقای میثمی اشاره کردند، در حال حاضر تنها دو یا سه بانک اطلاع‌رسانی مربوط به عدم تعهد را انجام داده‌اند، که البته به نظر بنده نیز این اقدام به تنهایی کافی نیست و مشکل را حل نمی‌کند. واقعیت این است که مردم خود را صاحب حق می‌دانند؛ فردی که پول در بانک می‌گذارد، حتی اگر بانک اعلام کند تعهدی ندارد، باز هم انتظار دریافت وام را دارد و در صورت عدم تحقق، به هر طریق ممکن اعتراض خواهد کرد. اگر چه ممکن است دادگاه‌ها حکمی به نفع وی صادر نکنند، اما از منظر اجتماعی و رفتاری، او خود را محق می‌داند و عملکرد بانک را ناعادلانه تلقی می‌کند. در چنین شرایطی، صرف تذکر یا اطلاع‌رسانی ظاهری کفایت نمی‌کند و لازم است راهکاری جامع برای اصلاح برداشت مردم و سازوکار اجرایی اینگونه سپرده‌ها اندیشیده شود.

میثمی: به عنوان نمونه، یکی از بانک‌ها در بهمن ماه سال گذشته رسماً اعلام کرد که منابع کافی برای پرداخت وام قرض‌الحسنه ندارد و از مشتریان خواست افرادی که موعد دریافت تسهیلات آنها فرا رسیده، اردیبهشت سال آینده، مراجعه کنند. با این وجود، حتی یک مورد شکایت یا اعتراض رسمی نیز گزارش نشد و هیچ کس ادعای الزام نسبت به بانک طرح نکرد؛ دادگاه‌ها هم موردی ثبت نکردند. به نظر می‌رسد اگر سایر بانک‌ها نیز به روشنی پیامک اطلاع‌رسانی درباره عدم وجود تعهد ارسال کنند، این مسئله تا حد زیادی مدیریت خواهد شد.

اسلامیان: این بدان معنا نیست که مشتریان، خود را محق نمی‌دانند؛ بلکه همچنان معتقدند که حق قانونی و منطقی آنها بوده و بانک باید تسهیلات را پرداخت می‌کرد. این برداشت ذهنی مردم مسئله اصلی است که با صرف اطلاع‌رسانی حل نخواهد شد.

رضایی: اگر فردی با نیت دریافت ربا بیاید و بگوید «من قصد دارم وقتی به شما قرض می‌دهم، پنج درصد اضافه دریافت کنم»، و طرف مقابل پاسخ دهد «من چنین قصدی ندارم؛ اگر دلم خواست اضافه می‌دهم وگرنه خیر»، این معامله ربا محسوب نمی‌شود، زیرا قصد الزام و اشتراط وجود ندارد.

مصباحی‌مقدم: امام خمینی (ره) نیز پیش از انقلاب فتوایی داده بودند مبنی بر اینکه اگر کسی ناگزیر به گرفتن قرض ربوی شود، می‌تواند بنا را بر عدم پرداخت بهره بگذارد و در صورت پرداخت، تکلیف از او ساقط می‌گردد. در ادامه بحث، پیشنهاد می‌شود بانک‌هایی که اطلاع‌رسانی لازم را در خصوص عدم تعهد در پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه انجام داده و پیامک ارسال کرده‌اند، مورد تشویق قرار گیرند. در مقابل، بانک‌هایی که هنوز این الزام را رعایت نکرده‌اند، تذکر کتبی دریافت کنند. همچنین، به نمایندگان نظارتی بانک مرکزی در آن بانک‌ها مأموریت داده شود موضوع را پیگیری کرده و گزارش اجرای آن را به شورای فقهی ارسال نمایند. همچنین ضرورت دارد در تمامی بروشورها، برگه‌های تبلیغاتی و اطلاعیه‌های مربوط به سپرده‌های قرض‌الحسنه، تصریح شود که بانک هیچ‌گونه تعهدی نسبت به اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه ندارد و این نکته به صورت مکتوب و شفاف اعلام گردد.

میثمی: تجربه نشان داده است که پیامک‌های ارسالی از سوی بانک‌ها با دقت بسیار بالایی توسط مشتریان خوانده می‌شود. ممکن است بسیاری از پیام‌های دیگر مورد توجه قرار نگیرند، اما این‌گونه پیامک‌ها که به خدمات قرض‌الحسنه مربوط است، معمولاً کلمه به کلمه توسط مخاطبان مطالعه می‌شود؛ بنابراین، ارسال پیامک ابزار مؤثری برای اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی محسوب می‌گردد.

مصباحی‌مقدم: وظیفه ما در این شورا انجام تکلیف شرعی خود است. فقیه وظیفه دارد فتوا دهد. اینکه مردم به درستی عمل می‌کنند یا خیر، دیگر بر عهده خود آنان است و از دایره مسئولیت ما خارج می‌باشد. ما نمی‌توانیم به مخاطبان تلقین کنیم یا آنان را وادار به انجام تکلیف کنیم؛ بلکه صرفاً باید حکم شرعی را تبیین نماییم و در صورت انجام این وظیفه، تکلیف از ما ساقط است.

اسلامیان: اگر هدف ما صرفاً انجام وظیفه در حد اسقاط تکلیف باشد، بله، می‌توان گفت با بیان حکم شرعی تکلیف انجام شده است. اما باید توجه کنیم که طرف اصلی ما همیشه مردم نیستند، بلکه بانک‌ها می‌باشند. وقتی می‌دانیم برخی بانک‌ها در عمل به درستی رفتار نمی‌کنند و موجب ایجاد شبهه برای مردم می‌شوند، لازم است ما نیز در حد امکان طرح یا

راهکاری ارائه دهیم تا زمینه ارتکاب عمل ناصحیح از سوی مردم از بین برود و شبهه شرعی در رفتار بانک و مردم ایجاد نشود.

مصباحی‌مقدم: وظیفه ما در مقام فقیه و عضو شورا، تفهیم، تبیین و تذکر است؛ اما اینکه مردم چگونه رفتار می‌کنند، در حوزه وظایف ما قرار ندارد. اگر هم بدانیم مردم در مواردی عمل خلاف شرع انجام می‌دهند، مانند دیگر مصادیق ممنوعه است که نظام اسلامی حکم حرمت داده، ولی تخلف رخ می‌دهد. نمونه آن در موضوعاتی چون نوشیدنی‌های حرام مطرح می‌شود.

اسلامیان: فرض کنید وزارت بهداشت به این نتیجه برسد که نوعی ماده غذایی که در جامعه رایج است، آثار مخرب و غیرقابل جبرانی دارد و به صورت گسترده موجب ابتلا به بیماری‌های خطرناک مانند سرطان می‌شود. آیا صرف صدور بخشنامه و اعلام ممنوعیت کفایت می‌کند؟ یا وزارت بهداشت موظف است با استفاده از ظرفیت حاکمیت، از تولید، توزیع و مصرف آن در سطح جامعه جلوگیری نماید؟ به همین قیاس، ما نیز اگر نسبت به یک رفتار یا ساختار بانکی آگاهیم که می‌تواند تبعاتی فقهی یا اخلاقی داشته باشد، نمی‌توانیم صرفاً با بیان حرمت یا نهی، تکلیف را ساقط بدانیم؛ بلکه باید برای جلوگیری از وقوع آن برنامه‌ریزی عملی انجام دهیم.

مصباحی‌مقدم: در چنین مواردی باید از ظرفیت حاکمیت استفاده شود تا اطلاع‌رسانی دقیق و گسترده به مردم صورت گیرد. آگاهی‌بخشی عمومی نقش کلیدی دارد و می‌تواند مانع از بروز رفتارهای نادرست و خلاف مصلحت شود. اینکه وجود قوانین و مقررات کافی باشد، مسلماً کافی نیست. اصل بر این است که حوزه نظارت بانک مرکزی موظف است به مدیران و اعضای هیئت مدیره بانک‌ها تذکر دهد تا نسبت به ارسال پیامک اطلاع‌رسانی اقدام نمایند و تحقق این امر را پیگیری کند. ابلاغ چنین مصوبه‌ای باید از سوی بانک مرکزی صورت گیرد. با این حال، برداشت و واکنش مخاطب نسبت به این پیام و نحوه عمل او، دیگر در حوزه مسئولیت نظام بانکی قرار نمی‌گیرد.

میثمی: نکات مورد تاکید اعضای محترم در کارگروه قرض‌الحسنه ذیل دبیرخانه شورای فقهی مورد بررسی دقیق‌تر قرار خواهد گرفت.

مشروح مذاکرات مرتبط با دستور چهارم: بررسی «دستورالعمل اجرایی معاملات در بازار بین بانکی ریالی»

میثمی: موضوع مورد بررسی بعدی مربوط به معاملات بین بانکی است که در ارتباط با مکاتبه سازمان بازرسی کل کشور مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۳۰ مطرح می‌شود. سازمان بازرسی تذکر داده است که مطابق ماده ۱۸ قانون بانک مرکزی، کلیه قراردادهای مورد استفاده توسط بانک مرکزی و مؤسسات تحت نظارت آن، باید به تأیید شورای فقهی برسد. در بازار بین بانکی نیز قراردادهایی چون وکالت شبانه و سایر عقود استفاده می‌شود که مشخص نیست آیا مورد تأیید این شورا قرار گرفته‌اند یا خیر؟

نماینده سازمان بازرسی در جلسه‌ای حضور یافتند و پس از بحث‌های مفصل، جمع‌بندی این بود که دستورالعمل‌های موجود مجدداً بررسی شوند. اکنون همکاران اداره عملیات بازار باز، زحمت بررسی دقیق موضوع را کشیده‌اند و در این جلسه حضور دارند. بازار بین بانکی اساس سیستم بانکی محسوب شده و از لحاظ اقتصادی به عنوان «هسته بازار پول» شناخته می‌شود. این بازار به دلیل اهمیت بنیادین و نقش هدایتگری که دارد، عملاً محل کشف نرخ‌های سود در اقتصادهای بین‌الملل است و منحنی بازده (Yield Curve) را تشکیل می‌دهد. وظیفه علامت‌دهی و تعیین مبنا برای کلیه نرخ‌های اقتصادی بر عهده بازار بین بانکی قرار دارد.

بر این اساس، نرخ سود شبانه (Overnight) و بسیار کوتاه‌مدت با کمترین ریسک که در این بازار شکل می‌گیرد، به مثابه مبنا (Benchmark) برای سایر نرخ‌ها در قراردادهای بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدین معنا که در بازارهای بین‌المللی، معمولاً نرخ‌های مبنا بر اساس شاخص‌هایی نظیر نرخ بهره بازار بین بانکی لندن (LIBOR) تعیین می‌شود؛ برای مثال، در بسیاری از قراردادها عبارت «LIBOR +2.5 درصد» درج می‌گردد؛ که نشان‌دهنده نرخ پایه به علاوه حاشیه سود توافقی است. هر چند اکنون شاخص‌هایی جایگزین مانند SOFR (نرخ تأمین مالی شبانه تضمین‌شده) به‌کار گرفته می‌شوند، اما کارکرد اقتصادی آن مشابه است.

در خصوص بازار بین بانکی داخلی نیز، ما طبق رویه معمول، گزارش‌های تخصصی دریافتی را مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ ابتدا در ادارات تخصصی بررسی انجام شده، سپس در صورت نیاز با ناظران بانکی مشورت می‌شود و در نهایت جمع‌بندی و گزارش نهایی جهت طرح در شورای فقهی ارائه می‌گردد. در همین زمینه، همکاران اداره عملیات بازار باز، مرقومه‌ای از

حضرت آیت الله رضوانی مربوط به سال ۱۳۸۶ را برای شورا ارسال کردند. در این مرقومه تأکید شده است که انجام عملیات بین بانکی، مشروط به آنکه در چارچوب نظام بانکداری بدون ربا انجام گیرد، شرعاً مجاز و قابل قبول است. بر این اساس، مبنای فقهی برای ادامه بررسی موضوع روشن است و نیاز به تطبیق دقیق قراردادهای جدید با ضوابط بانکداری اسلامی وجود دارد.

در این زمینه، لازم به ذکر است که صدور حکم مثبت درباره عملیات بازار بین بانکی بر اساس بانکداری بدون ربا صورت پذیرفته و به شکل عمومی مورد قبول واقع شده است، اما این به معنای تأیید خاص یا تفصیلی قراردادهایی مانند وکالت شبانه نبوده است.

برای بررسی دقیق، موضوع را در جلسات تخصصی با حضور فقهای عضو کارگروه قم، مطرح کردیم و دبیرخانه نیز پس از بحث و تبادل نظر، جمع‌بندی کارشناسی را ارائه می‌دهد. نحوه اجرای عملیات وکالت بانکی یا اصطلاحاً «وکالت توکیلی» به این صورت که بانکی با کسری منابع در پایان روز، به بانکی دیگر که مازاد دارد مراجعه می‌کند و برای یک شب معامله انجام می‌دهند؛ در نتیجه، سود فقط به مدت همان یک شب شناسایی می‌شود.

در اینجا دو دیدگاه فقهی درباره نحوه سوددهی کوتاه‌مدت وجود دارد؛ یک دیدگاه معتقد است که عملیات بانکی را می‌توان مانند استخر مشاع فرض کرد و حتی ورود منابع برای مدت بسیار کوتاهی (حتی چند ثانیه یا یک شب) متناسب با همان بازه زمانی موجب شناسایی سود می‌شود. طرفداران این نظر معمولاً به امکان انعقاد عقود کوتاه‌مدت در فقه اشاره دارند. در منابع روایی و فقهی ما نمونه‌هایی از معاملات کوتاه‌مدت وجود دارد؛ مانند مضاربه، بیع یا مرابحه کوتاه‌مدت، به این معنا که شخصی سرمایه‌ای در اختیار دیگری قرار می‌دهد و طرف مقابل در همان لحظه معامله‌ای انجام می‌دهد و سودی واقعی حاصل می‌کند. از این منظر، شناسایی سود در مدت زمان کوتاه نیز منطقی و قابل تحقق است.

در نگاه دیگر، منتقدان این نحوه اجرا، معتقدند که عملیات وکالت شبانه از ماهیت واقعی عقد وکالت فاصله می‌گیرد. چرا که وکالت، در اصل، عقدی اذنی است نه تملیکی، در حالی که در این نوع معاملات، نرخ سود حاصل شده منشأیی در معامله واقعی ندارد و صرفاً بر مبنای توافق بین دو بانک شکل می‌گیرد.

از سوی دیگر، مذاکراتی که میان خزانه‌داری بانک‌ها در بازار بین بانکی صورت می‌گیرد، بعضاً شامل توافقاتی از جنس خرید و فروش مبلغ پول است؛ برای مثال، می‌گویند: «۵ میلیارد تومان با نرخ معین داده و پس گرفته می‌شود». این نوع

کنش اقتصادی از حیث فقهی مصداق «خرید و فروش اقساطی پول با زیاده» است که مطابق نظر امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله و همچنین نظر مشهور فقها از جمله شهید صدر در کتاب البَنک اللاربوی، از مصادیق «حیل ربا» محسوب می‌شود و جایز نیست. استدلال این است که در چنین قراردادهایی مازاد پرداختی در مقابل پول قرار می‌گیرد، نه در برابر عمل یا ارزش اقتصادی واقعی، و این امر از دیدگاه فقهی نوعی بازی با الفاظ برای دور زدن ربا تلقی می‌شود. بر همین اساس، رویکرد شورای فقهی نیز همواره بر پرهیز از حیل ربا و طراحی عقود به صورت واقعی مبتنی بوده است، نه طراحی عقود صوری.

بر این اساس، جمع‌بندی و پیشنهاد کارشناسی دبیرخانه در خصوص اصلاح ساختار معاملات بین بانکی این است که مناسب‌ترین عقد جایگزین برای وکالت شبانه، عقد بیع دین است. در این الگو، بانک‌ها می‌توانند مطالبات خود از مشتریان را به صورت اوراق استاندارد تنظیم و منتشر کنند و از طریق آن، بازاری واقعی برای بیع دین اسلامی شکل گیرد. به این ترتیب، هر بانکی که با کمبود منابع مواجه است، می‌تواند بخشی از مطالبات خود را به بانک‌های دارای مازاد منابع بفروشد. عقد بیع، بر اساس تعریف فقهی، «تملیک عین به عوض» است و لذا از نظر ماهوی، عقدبیع دین یک عقد تملیکی محسوب می‌شود، نه اذنی. در نتیجه، با تحقق تملیک، مباحث مربوط به «علی‌الحساب» و شبهات ناشی از عدم وقوع تملیک از اساس منتفی می‌گردد. به هر حال، عقد وکالت شبانه در وضع فعلی از نظر کارشناسی دبیرخانه دارای ایرادات فقهی و اجرایی است، و لازم است مسیر بازار بین بانکی به سمت اجرای واقعی و اسلامی بیع دین هدایت شود.

در صورتی که همچنان بر استفاده از عقد وکالت تأکید شود، پیشنهاد می‌گردد حداقل مدت وکالت افزایش یابد؛ به عنوان نمونه، وکالت‌ها حداقل سه تا هفت روزه باشند، نه صرفاً شبانه، زیرا غالب عملیات بین بانکی به صورت تمدیدی انجام می‌شود و قابلیت تنظیم در بازه‌های زمانی بلند مدت را دارد. در عمل، بسیاری از قراردادهای وکالت شبانه به صورت تمدیدی انجام می‌شود و ممکن است از یک شب تا حتی حدود یک سال ادامه یابد. لذا مواردی که تمدید نمی‌شود بسیار اندک است. بنابراین، اگر برای مدت وکالت حداقل زمانی تعیین شود، عقد وکالت معنا و کارکرد واقعی پیدا می‌کند. همان‌طور که در سایر فعالیت‌های شبکه بانکی نیز پرداخت سود برای دوره‌های کمتر از یک ماه انجام نمی‌شود، در اینجا نیز تعیین بازه زمانی حداقلی، منطقی خواهد بود.

به هر حال، دو دیدگاه درباره نحوه اجرای عملیات بین بانکی وجود دارد، اما نظر کارشناسی دبیرخانه بر این است که باید به طور جدی از شبهات و حیل ربوی فاصله گرفت و صرفاً عقود حقیقی و منطبق بر فقه اسلامی به کار گرفته شود. نکته

پایانی اینکه در متن دستورالعمل مربوط، چندین بار از واژه «سود» استفاده شده، در حالی که صحیح آن «سود علی‌الحساب» است. دبیرخانه در پنج مورد اصلی این موضوع را شناسایی کرده است. استفاده صرف از واژه «سود» در عقد وکالت موجب برداشت عرفی نادرست میان ذینفعان بازار می‌شود، به نحوی که تصور می‌گردد این سود، همان سود قطعی حاصل از عقد وکالت است؛ در حالی که وکالت ماهیتاً عقد اذنی است و تحقق سود قطعی در آن قابل تصور نیست. بنابراین اصلاح عبارت‌های بخشنامه در این رابطه ضروری است. در بررسی تطبیقی انجام شده، از الگوهای بانکداری اسلامی کشورهای دیگر از جمله مالزی نیز استفاده شده است. در آنجا نیز تحت عنوان «Islamic Interbank Market» یا «Islamic Interbank Instruments» حدود چهارده عقد اسلامی به کار گرفته می‌شود که برخی از آنها مبتنی بر عقد بیع دین است. یعنی کشور مالزی در بازار بین بانکی اسلامی خود از عقد بیع دین بهره می‌گیرد، هر چند در اجرای آن محدودیتی نیز قائل شده است؛ به این صورت که ترکیب دارایی‌های موجود در «استخر مشاع» باید به گونه‌ای باشد که بخش عمده آن از اموال عینی تشکیل شود و سهم مطالبات (دیون) در آن کم باشد. با وجود این محدودیت، این الگو توانسته به صورت موفق در بازار بین بانکی اسلامی مالزی اجرا شود و پایه خرید و فروش واقعی اوراق مبتنی بر دیون قرار گیرد. در حال حاضر، بر اساس اطلاعات موجود در وب‌سایت بانک نگارا (بانک مرکزی مالزی)، بازار بین بانکی اسلامی آن کشور بر پایه چهارده عقد اسلامی فعالیت می‌کند که یکی از محورهای اصلی آن بیع دین است. بر همین اساس، پیشنهاد دبیرخانه این است که نظام بانکی کشور نیز به سمت طراحی و راه‌اندازی «بازار بیع دین بانکی» حرکت کند. اگرچه عقد وکالت به لحاظ اجرایی ساده به نظر می‌رسد، اما از نظر فقهی و ساختاری، ایرادات قابل توجهی دارد و تداوم آن می‌تواند به بروز شبهات و انحراف از اصول بانکداری بدون ربا منجر شود. لذا مناسب است مسیر بازار بین بانکی به تدریج از وکالت شبانه به سمت بیع دین اسلامی تغییر جهت دهد.

رسولی: مباحث قبلی، نظام پرداخت و تسویه را تشریح کردم و سپس وارد مبحث بازار بین بانکی شدم. با توجه به اینکه سپری شدن زمان، اجازه می‌خواهم بار دیگر به صورت خلاصه نظام تسویه را خدمت حضار تبیین کرده و سپس به بررسی بازار بین بانکی و دستورالعمل‌های مرتبط با آن بپردازم. در فضای واقعی نظام پولی، مجموعه‌ای از بانک‌ها به عنوان واسطه مالی فعالیت می‌کنند؛ بدین معنا که سپرده‌ها را از سپرده‌گذاران جذب کرده و در قالب انواع عقود اسلامی به اعطای تسهیلات می‌پردازند. گمان نمی‌کنم هیچ یک از اعضای حاضر در این جلسه نسبت به این اصل آگاه نباشند که پس از اجرای نظام بانکداری بدون ربا، تمامی تسهیلات اعطایی در شبکه بانکی کشور در چارچوب عقود اسلامی انجام می‌شود.

فرض کنیم بانکی ۵۰۰ همت سپرده از سپرده‌گذاران جذب می‌کند و تمام این مبالغ را در قالب انواع عقود اسلامی به کار می‌گیرد. بخشی از این وجوه به عنوان سپرده قانونی کنار گذاشته می‌شود، چرا که بانک موظف است این میزان را نزد بانک مرکزی نگهداری کند؛ اما مابقی منابع در قالب عقود اسلامی مختلف به اعطای تسهیلات اختصاص می‌یابد. بنابراین، سپرده‌های سپرده‌گذاران در عمل به تسهیلات تبدیل می‌شود که از منظر دیگر، همان سرمایه‌گذاری بانک به شمار می‌آید.

بدیهی است این ۵۰۰ همت سپرده نزد بانک باقی نمی‌ماند، زیرا سپرده‌گذاران در طول روز معاملات متعددی انجام داده و وجوه بین آنها جابه‌جا می‌شود. به عنوان نمونه، فردی منزلی را از دوست خود خریداری می‌کند و مبلغ مربوطه از حساب او در بانک ملت به حساب فروشنده نزد بانک سپه منتقل می‌گردد. این دست مبادلات پیوسته در شبکه بانکی جریان دارد و مبنای آن، بانکداری اسلامی مبتنی بر انواع عقود شرعی است. در طول روز، سپرده‌گذاران وجوه خود را بین حساب‌های مختلف منتقل می‌کنند و در پایان روز کاری، فرآیند تسویه نهایی از طریق سامانه ساتنا انجام می‌شود. همان‌گونه که مستحضرید، مبادلات بین بانکی تنها از مسیر سامانه تسویه ناخالص آنی (ساتنا) صورت می‌گیرد. با پایان روز کاری، سامانه ساتنا بسته می‌شود و چرخه روز بعد آغاز می‌گردد. در نتیجه انتقال سپرده‌ها میان بانک‌های مختلف (که مطابق با دستور سپرده‌گذاران انجام می‌شود) برخی از بانک‌ها با مازاد ذخایر و برخی دیگر با کسری ذخایر روبه‌رو می‌گردند. در علم اقتصاد، مانده حساب جاری بانک‌ها نزد بانک مرکزی را «ذخایر» (Reserves) می‌نامند. منظور از کسری ذخایر آن است که مانده حساب جاری یک بانک نزد بانک مرکزی در پایان روز منفی شود.

همان‌طور که می‌دانیم، بانک مرکزی نقش بانکدار بانک‌ها را ایفا می‌کند و هر بانک در نزد بانک مرکزی دارای یک حساب جاری است. هنگامی که مشتریان بانک‌ها با یکدیگر مبادلات مالی انجام می‌دهند و انتقال سپرده بین بانک‌های مختلف صورت می‌گیرد، وجوه از حساب جاری برخی بانک‌ها کاسته شده و به حساب جاری سایر بانک‌ها واریز می‌شود. این حساب‌ها هر دو نزد بانک مرکزی نگهداری می‌شوند. در پایان روز کاری، مانده حساب جاری تعدادی از بانک‌ها نزد بانک مرکزی مثبت و برخی دیگر منفی می‌شود. بانک‌هایی که مانده مثبت دارند با مازاد ذخایر مواجه‌اند و بانک‌هایی که مانده منفی دارند، دچار کسری ذخایر می‌شوند. در چنین وضعیتی، بازار بین بانکی نقش تعدیل‌کننده ذخایر را ایفا می‌کند. این بازار ماهیت فیزیکی ندارد و تعاملات در آن معمولاً به صورت تلفنی یا از طریق سامانه‌های الکترونیکی انجام می‌پذیرد. بانک‌هایی که با کسری ذخایر مواجه‌اند از بانک‌هایی که دارای مازاد ذخایر هستند، منابع مالی دریافت می‌کنند.

از آنجا که میان بانک‌ها روابط مالی بلندمدت و اعتماد متقابل شکل گرفته است، برخی از آنها به خوبی می‌دانند که کدام بانک‌ها دارای مازاد منابع هستند. به همین منظور، سامانه‌ای تحت عنوان «تابا» طراحی شده تا بانک‌ها بتوانند از طریق آن، وضعیت بانک‌های سپرده‌گذار و سپرده‌پذیر را مشاهده کرده و به تسهیل تعاملات خود در بازار بین بانکی بپردازند. بانک‌ها از طریق معامله‌گران خود، به‌صورت تلفنی درباره میزان مبلغ و نرخ سود، توافق می‌کنند.

در اسنجا، برای توضیح ملموس‌تر موضوع، فرض کنیم بانک ملت ۵۰۰ همت سپرده از سپرده‌گذاران جذب کرده و تمام آن را در قالب انواع عقود اسلامی سرمایه‌گذاری کرده است. این سرمایه‌گذاری‌ها منجر به تحقق سود بر اساس عقود مذکور می‌شود. در پایان روز، ۵ همت از منابع بانک ملت که پیش‌تر ۵۰۰ همت سپرده در اختیار داشت، به بانک سپه منتقل می‌شود. بانک سپه نیز بر اساس سپرده‌های پیشین خود اقدام به سرمایه‌گذاری نموده است. در این حالت، بانک ملت که ۵ واحد پول از منابعش خارج شده، همچنان به اندازه ۵۰۰ همت سرمایه‌گذاری تعهدی دارد و انتظار دریافت سود از محل این تسهیلات را خواهد داشت؛ با این تفاوت که در حال حاضر تنها ۴۹۵ همت منابع در اختیارش باقی مانده است.

از سوی دیگر، بانک سپه که در پایان روز با مازاد ذخایر مواجه است، در بازار بین بانکی به عنوان بانک سپرده‌پذیر وارد می‌شود. یکی از معاملات پیش‌بینی شده در دستورالعمل بازار بین بانکی، «معامله سپرده‌گذاری» است. در این نوع معامله، بانک دارای مازاد ذخایر (در این مثال، بانک سپه) منابع مازاد خود را در اختیار بانکی قرار می‌دهد که با کمبود ذخایر مواجه است (بانک ملت). در نتیجه، وجوه مازاد بانک سپه در اختیار بانک ملت قرار می‌گیرد تا سرمایه‌گذاری انجام شده توسط آن بانک استمرار یابد. سود حاصل از این سرمایه‌گذاری‌ها، پس از شناسایی، به مبدأ اولیه یعنی بانکی که منابع آن برای سرمایه‌گذاری تخصیص یافته بود، بازمی‌گردد و از محل این سودها، بانک سپرده‌گذار نیز سهم خود را دریافت می‌کند.

مصباحی‌مقدم: مطابق توضیحی که ارائه شد، آنچه میان بانک‌ها جابجا می‌شود، «مانده حساب جاری» است که اساساً دارای سود نمی‌باشد. این مانده حساب‌های جاری، وجوهی است که بانک‌ها نزد بانک مرکزی دارند و مبادلات مالی روزمره از این حساب‌ها انجام می‌شود.

رسولی: فرض کنید که تمامی سپرده‌هایی که بانک جذب می‌کند در قالب حساب جاری نگهداری می‌شود، ولی سرمایه‌گذاری‌هایی که بانک انجام می‌دهد در قالب انواع عقود اسلامی است که نرخ‌های سود متفاوتی دارند.

مصباحی‌مقدم: به نظر می‌رسد برخی بانک‌ها در سپرده‌ی جاری خود نزد بانک مرکزی کسری و برخی دیگر با مازاد دارند.

رسولی: لازم است توجه شود که منظور از حساب جاری در اینجا، حساب بانک‌ها نزد بانک مرکزی می‌باشد.

مصباحی‌مقدم: حساب جاری سود روزشمار ندارد، اما اگر حساب از نوع سرمایه‌گذاری باشد، سود به آن تعلق می‌گیرد.

رسولی: اجازه بدهید سخنانم را مجدداً در قالب دو نکته مطرح کنم. نخست، حساب جاری اشخاص نزد بانک‌های تجاری، تخصصی و غیردولتی و دوم، حساب جاری انواع بانک‌ها نزد بانک مرکزی. مبادلات مالی بین اشخاص که منجر به انتقال وجه بین بانک‌ها می‌شود، اساساً از محل حساب جاری بانک‌ها نزد بانک مرکزی صورت می‌گیرد. نکته مهم آن است که سپرده‌های اشخاص نزد بانک‌هایی مانند بانک ملت به صورت حساب جاری نگهداری می‌شود و به این نوع سپرده‌ها سودی تعلق نمی‌گیرد؛ مگر آنکه سپرده‌گذار بخواهد وجوه خود را از حساب جاری خارج و نزد بانک مرکزی به صورت سپرده قانونی نگهداری کند.

مصباحی‌مقدم: آنچه تاکنون درباره مناسبات بین بانکی می‌دانستیم این است که برخی بانک‌ها دارای مازاد سپرده‌های سرمایه‌گذاری هستند و برخی دیگر با کسری منابع مواجه‌اند و این مبالغ و منابع برای تأمین نیازهای طرفینی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در نظام بانکی ربوی، این مبادلات بر اساس نرخ بهره انجام می‌شود؛ اما در بانکداری بدون ربا نمی‌توان بر اساس نرخ بهره چنین معاملاتی را انجام داد، زیرا مبادله قرض همراه با زیاده، از نظر شرعی باطل و غیرمشروع است. در این چارچوب، جایگزین‌هایی مانند قرارداد بیع دین مطرح شده است و همچنین قرارداد ریپو (که بیشتر در اوراق مالی معنا پیدا می‌کند) مورد بحث قرار گرفته است.

ابوالحسنی: اجازه دهید تا موضوع را کمی تبیین کنم تا امر واضح‌تر شود. فرض کنید که دو بانک تجاری در مقابل یک بانک مرکزی داریم. بانک مرکزی که نقش ناظر و بانکدار بانک‌ها را بر عهده دارد، حساب جاری نزد خود را برای هر یک از این بانک‌ها نگه می‌دارد. این حساب جاری به ظاهر ساده است، اما می‌تواند دارای مانده منفی نیز باشد. زمانی که مانده حساب جاری منفی شود، بانک مرکزی موظف است آن کسری را جبران کند، چرا که بانک مرکزی به بانک‌ها تعهد داده تا نیازهای مالی آنها را تأمین نماید.

این مفهوم در قالب اصطلاح «اضافه برداشت» تعریف می‌شود؛ یعنی زمانی که بانک‌ها در شرایط ضروری از حساب‌های جاری خود برداشت می‌کنند تا تعهدات را انجام دهند. وجود این حساب‌های جاری میان بانک‌های تجاری و بانک مرکزی به منظور برقرار نگه داشتن تعادل مالی است تا فعالیت بانک‌ها در تعامل با مشتریان به صورت مستمر و بدون مشکل ادامه یابد. البته، حاکمیت موظف است با وضع مقررات، نظارت دقیق داشته و برداشت‌های غیرمجاز با جرایمی مثل ۳۴ درصد جریمه گردد.

میرعمادی: به نظر می‌رسد توضیحات کافی توسط خانم رسولی و جناب آقای دکتر ابوالحسنی ارائه شده است، فقط می‌خواهم نکته‌ای را تکمیل کنم. در دستورالعمل نحوه محاسبه و تقسیم سود مشاع ریالی سپرده‌گذاری، سودی که یک بانک در بازار بین بانکی به بانک دیگر پرداخت می‌کند، جزو اقلام مصارف مشاع محسوب می‌شود. آنچه بانک‌ها در حال حاضر با یکدیگر توافق می‌کنند، سود علی‌الحساب است؛ مشابه سودی که به سایر سپرده‌گذاران به صورت علی‌الحساب پرداخت می‌شود. در پایان دوره مالی، سود قطعی باید محاسبه و با سود علی‌الحساب مقایسه شود. اگر سود قطعی بیش از سود علی‌الحساب باشد، تفاوت آن به بانک اولیه که سرمایه‌گذاری را انجام داده است، پرداخت می‌شود. در غیر این صورت، مطابق ضوابط تعیین شده در دستورالعمل سود مشاع، نسبت به اصلاح مبالغ اقدام خواهد شد.

عرب‌بازار: برداشت من این است که این مسئله صرفاً به معنای سرمایه‌گذاری نیست. در واقع، تمامی منابع بانک‌ها در قالب یک استخر واحد جمع‌آوری می‌شود و سودآوری نیز در همین استخر تحقق می‌یابد. در روز انجام عملیات، بانک‌ها پرداخت‌ها و دریافت‌های متعددی دارند که در نهایت در پایان روز، ممکن است مازاد وجهی باقی بماند که بانک می‌تواند آن را برای روزهای آتی به عنوان سرمایه در گردش استفاده کند، مشابه فعالیت یک کسب‌وکار. این مازاد را نمی‌توان به طور دقیق به عنوان سرمایه‌گذاری جدید به حساب آورد؛ بلکه این وجوه مازاد است که به کار گرفته می‌شوند. در ضمن، اگر بانکی با کسری منابع مواجه شود و نتواند پرداخت‌های خود را تامین کند، معمولاً از دیگر بانک‌ها یا بانک مرکزی اقدام به تامین این کسری می‌کند. امکان دارد این قراردادها تمدید شوند و بازپرداخت با سود معینی صورت گیرد. بنابراین، کاربرد مکرر واژه «سرمایه‌گذاری» جایز نیست؛ چرا که بخشی از عملیات مالی بانک‌ها مربوط به مدیریت نقدینگی روزانه و تأمین وجوه مورد نیاز است، نه فقط سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت.

سعدی: دو روش اصلی برای تامین مالی وجود دارد؛ نخست استقراض که به معنای ربح در قرارداد قرض است و دوم استفاده از وکالت که شخص، وکیل می‌شود تا مبلغ مشخصی را در پروژه‌های خاص سرمایه‌گذاری نماید. موضوع «سود استخر مشاع» محل تردید است؛ زیرا اگر سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت انجام شود، مثلاً پولی در غروب وارد استخر شود و صبح از آن خارج گردد، سؤال ایجاد می‌شود که چگونه سود تعلق می‌گیرد؟ آقای میثمی بارها توضیح داده‌اند که وقوع عقد بیع، برای ایجاد سود، کفایت می‌کند، اما مسأله این است که استخر مشاع باید به گونه‌ای باشد که آورده سپرده‌گذاران به صورت واقعی در فرآیند سرمایه‌گذاری مشارکت کند و سود واقعی ایجاد گردد.

رضایی: فرض کنید شخصی در پروژه‌ای سرمایه‌گذاری می‌کند اما به طور موقت دچار کمبود وجوه می‌شود. در این حالت، مبلغ مورد نیاز را از آقای میثمی دریافت می‌کند و پس از ۲۰ دقیقه، باصل وجوه و سود مربوط به این مدت را به ایشان پرداخت می‌کند. وقتی سؤال می‌شود این سود از کجا تأمین می‌شود؟ پاسخ این است که پول در همان پروژه سرمایه‌گذاری شده است؛ برای مثال یک فرد در حال ساخت یک پروژه ساختمانی بزرگ است که در طول یک ماه نیازمند سرمایه‌گذاری مستمر است. در این فرایند، هر فردی که در یک روز (حتی یک دقیقه) مبلغی به بانک می‌دهد، سهمی از سود یک ماه پروژه را دریافت می‌کند. این مدل محاسبه سود، بر مبنای ساعت به ساعت بوده و نشان می‌دهد که چگونه در بازه‌های زمانی کوتاه، سود، متناسب با مدت زمان مشارکت محاسبه و پرداخت می‌شود. مثلاً بانک ملت می‌تواند از بانک سپه برای تامین منابع کوتاه‌مدت استفاده کند و این منابع را به متقاضیان تسهیلات تخصیص دهد، بنابراین تامین مالی و پرداخت سود به صورت لحظه‌ای و مطابق با اصول بانکداری اسلامی انجام می‌پذیرد.

سعدی: فرض کنیم شما وکیل باشید و وکالت دارید که پولی را در پروژه‌ای سرمایه‌گذاری کنید. اگر در این مدت کوتاه (مثلاً یک شب) سودی به این وکالت تعلق نگیرد، آیا طرف مقابل این شرایط را می‌پذیرد؟

ابوالحسنی: آقای دکتر سعدی، آنچه مطرح می‌شود این است که در عمل، پولی که آقای رضایی به عنوان بانکدار دریافت می‌کند ممکن است ناشی از منابع کوتاه‌مدت متفاوتی باشد. یک روز ممکن است فردی کمبود نقدینگی داشته و پولی از بانک دیگری دریافت کند. در واقع، سرمایه‌گذاری به صورت لحظه‌ای انجام نمی‌شود، بلکه وجوه جدیدی که از سپرده‌گذاران وارد بانک می‌شود، جایگزین وجوه برداشت شده می‌گردد. از این رو، سرمایه‌گذاری همچنان به قوت خود باقی است و پول‌های جدید وارد شده، به سرمایه‌گذاری کمک می‌کند. از سوی دیگر، سود علی‌الحساب به سپرده‌گذار پرداخت می‌شود که در پایان

دوره سالانه یا مالی، به سود قطعی تعدیل خواهد شد. بنابراین، وکالت و سود تعلق گرفته بر اساس این سازوکار، منعطف و متناسب با زمان و میزان مشارکت انجام می‌شود.

رسولی: فرض کنید ما دو بانک داریم که در طول روز سپرده‌گذاران وجوه خود را بین این دو بانک جابجا می‌کنند. پیش‌تر، یکی از این بانک‌ها، ۵۰۰ همت سپرده جذب کرده و آن را بر اساس انواع عقود اسلامی، در قالب قراردادهای سرمایه‌گذاری مختلف، به کار گرفته است. این سرمایه‌گذاری در سمت راست ترازنامه ثبت می‌شود و سمت چپ ترازنامه، همان سپرده‌های جذب شده از مردم به صورت عقد وکالت را نمایش می‌دهد.

در طول روز، مشتریان مبادلات وجوه بین این دو بانک را انجام می‌دهند. این مبادلات بین بانک‌ها صورت می‌گیرد که بانکدار همه آنها، بانک مرکزی است. بنابراین، انتقال وجوه مشتریان بین این بانک‌ها از طریق حساب جاری آنها نزد بانک مرکزی یا سامانه ساتنا صورت می‌گیرد. فرض کنید بانک ملت ۵۰۰ همت سپرده از مردم جذب کرده که ۵۰ همت آن را نزد بانک مرکزی به عنوان سپرده قانونی تودیع کرده و ۴۵۰ همت را در پروژه‌ها، سرمایه‌گذاری کرده است. طی روز، این سپرده‌ها جابه‌جا می‌شود و مثلاً ۵ واحد به صورت خالص از بانک ملت به بانک سپه منتقل می‌گردد. از سوی دیگر، بانک سپه ۴۴۰ همت سپرده وکالتی از مردم جذب کرده که ۴۰ همت آن سپرده قانونی نزد بانک مرکزی است و ۴۰۰ همت در پروژه‌های سرمایه‌گذاری قرار دارد.

فرض کنید در پایان روز ۵ واحد از سپرده‌های بانک ملت به بانک سپه منتقل شده که بانک سپه هنوز برای آن سرمایه‌گذاری نکرده است. به همین دلیل، اگر این ۵ واحد در حساب جاری بانک سپه نزد بانک مرکزی قرار گیرد، سودی به آن تعلق نمی‌گیرد؛ زیرا حساب جاری سود ندارد. بنابراین، بانک ملت در بازار بین بانکی وارد شده و این مبلغ را بر اساس عقد وکالت از بانک سپه می‌گیرد و معادل آن سود دریافت می‌کند، چرا که سرمایه‌گذاری‌های بانک ملت روی ۵۰۰ همت انجام شده و اکنون بابت کسری منابع، دریافت سود لازم است. همچنین، وجوه بانک‌ها به صورت یک استخر واحد مدیریت می‌شوند و سرمایه‌گذاری‌ها به صورت بلندمدت انجام شده‌اند. در نتیجه، انتقال وجوه بین بانک‌ها، نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت نیست؛ بلکه جبران کسری منابع در پایان روز و دریافت سود متناسب است.

میثمی: اگر مقرر کنیم حداقل زمان برای ماندگاری سپرده‌های وکالتی بانک‌ها جهت کسب سود مثلاً ۳ یا ۵ یا ۷ روز باشد، چه مشکلی پیش می‌آید؟

رسولی: نظام پرداخت و تسویه وجوه در هر لحظه از زمان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که در طول روز پول مرتب از یک بانک به بانک دیگر منتقل می‌شود. این گردش وجوه برای این است که بانک بتواند به تعهد عندالمطالبه‌ای که به سپرده‌گذاران داده است، عمل نماید. یعنی بانک تعهد کرده که هر زمان سپرده‌گذار درخواست پرداخت وجه کند، وجه مورد نظر را تحویل دهد. از نظر شرعی نیز به این امر ایرادی وارد نیست، زیرا برای حفظ تعهد و عمل به وعده، بانک می‌تواند برای تامین نقدینگی لازم، از بانک دیگری وجوه ار دریافت کند. بنابراین، محدود کردن حداقل زمان انتقال وجوه جهت کسب سود (مثلا ۳ روز) می‌تواند به روند طبیعی ایفای تعهدات بانکی آسیب بزند.

مصباحی‌مقدم: توضیحاتی که ارائه شد به نظرم کافی است و نکته مهم این است که اصل موضوع به خوبی فهمیده شود. اگر بانکی مازاد منابع داشته باشد، این مازاد را به بانکی که دچار کسری است، واگذار می‌کند. فرض بر این است که بانک دارای کسری، این منابع را قبلاً سرمایه‌گذاری کرده و اکنون بابت آن سرمایه‌گذاری، دارای کسری است. از طریق بازار بین بانکی، کسری منابع جبران می‌گردد.

سعدی: اگر ما بخواهیم مدلی تحت عنوان استخر مشاع طراحی کنیم، باید روشن شود آیا سودی به این استخر تعلق خواهد گرفت یا خیر؟ برای روشن شدن موضوع، فرض کنید بانک الف، در پایان ساعت کاری نیازمند منابع است. حال سؤال بنده این است که آیا بر استخر مذکور، سود قابل تعلق است یا خیر؟ تأمین وجوه باید بر اساس عقلانیت و عرف، دارای حد اقلی از زمان باشد که امکان تعلق سود در آن زمان، فراهم باشد. البته اگر پیشنهاد دبیرخانه، استفاده از قرارداد بیع دین به صورت شبانه با شناسایی سود است، لازم است شرایط و نرخ سود عقد بیع دین مشخص باشد.

مصباحی‌مقدم: عقد بیع دین، در لحظه انجام می‌گیرد. مثلا بدین معنا که شخصی از اینجانب طلبکار است و حاضر است طلب خود را در مقابل دستیابی به وجه نقد تنزیل کند. در این شرایط اگر خریدار دین، وجوه نقد داشته باشد، می‌تواند این معامله سودآور را انجام دهد.

رسولی: با توجه به شناخت محدودی که از نظام تسویه دارم،به نظرم این معاملات مصداق «خرید دین» نمی‌باشد.

مصباحی‌مقدم: با توجه به اینکه برخی از اعضا در رابطه با عقد وکالت شبانه همچنان دچار مناقشه ذهنی هستند و موضوع برایشان جا نیفتاده، لازم است تکرار کنم که ما در اینجا از یک «بدیل» استفاده می‌کنیم و آن عقد بیع دین است.

دلیل استفاده از این بدیل، آن است که بانک مورد نظر دارای مطالبات بلندمدت است و می‌تواند این مطالبات بلندمدت خود را به دیگری تنزیل کند تا در مقابل آن وجه نقد دریافت نماید. در نتیجه، بانک دریافت‌کننده وجه نقد می‌تواند از این طریق مشکل نقدینگی خود را برطرف سازد.

میثمی: کشور مالزی نیز چنین ابزار مشابهی را مورد استفاده قرار داده است.

مصباحی‌مقدم: ما پیش‌تر موضوع «ریپو» را تصویب کرده‌ایم. ریپو در واقع به اوراق مالی مربوط می‌شود که پیش‌تر خریداری و عرضه شده‌اند. بانک مرکزی بانک‌ها را موظف کرده است بخشی از منابع خود را به صورت اوراق اسلامی نگهداری کنند. این یک فرصت محسوب می‌شود و بانک‌ها می‌توانند این اوراق را میان خود در بازار بین بانکی مبادله کنند.

ابوالحسنی: در اینجا مثال ما مربوط به دو بانک است که هر یک دو نوع سرمایه‌گذاری دارند. ریپوها در حوزه اوراق مالی هستند و پشتوانه مشخص دارند؛ بنابراین، بهتر است آن مورد را جداگانه بررسی کنیم. تنها اشکالی که ممکن است به ذهن برسد ـ همان‌طور که قبلاً اشاره کردم ـ مربوط به حد اقل زمان پرداخت سود در صورت استفاده از عقد وکالت است. البته این بازه زمانی، یک زمان عقلایی است و به نظر نمی‌رسد مشکل شرعی یا قانونی خاصی ایجاد کند. در مورد روش «خرید دین» نیز باید بررسی شود که استفاده از این ابزار میان بانک‌ها ممکن است با چه موانعی همراه باشد.

مصباحی‌مقدم: نگرانی ما در این موضوع صرفاً ناظر بر «وکالت صوری» است؛ به ویژه در ارتباط با نحوه تحقق سود شبانه. دقت بفرمایید، این نگرانی جدی است. با این حال، اگر معاملات بین بانکی در قالب عقد «بیع دین» صورت گیرد، از نظر فقهی اشکالی ندارد.

ابوالحسنی: باید توجه داشت که در اینجا موضوع ناظر به اوراق نیست، زیرا صرفاً بانک‌هایی اوراق در اختیار دارند که از دولت طلب داشته و دولت در قبال آن اوراقی به آنها داده است. بنابراین، همه بانک‌ها الزاماً دارای اوراق نیستند.

مصباحی‌مقدم: آیا الزام قانونی برای بانک‌ها وجود ندارد که درصدی از منابع خود را به خرید اوراق اختصاص دهند؟

ابوالحسنی: این الزام برای بانک‌های دولتی برقرار شده است و آنها اقدام به خرید اوراق کرده‌اند.

مصباحی‌مقدم: پیشنهاد می‌کنم ادامه این بحث برای تکمیل و جمع‌بندی نهایی به جلسه آینده موکول شود.

ختم جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد.